

تبیین تعبیر «حرام سیاسی» از بی‌حجابی در کلام رهبر معظم انقلاب

# «حجاب» شخصی و انتخابی نیست!



مسئله حجاب در جامعه ایران اسلامی یکی از پرچالش‌ترین موضوعاتی است که در دوران پس از انقلاب یا آن مواجه بوده‌ایم و به رغم آنکه این مسئله مطالبه‌ای عمومی نبود اما در طول بیش از ۴۰سالگی که از انقلاب می‌گذرد، همواره شاهد تلاش‌های بیگانگان و نظام لیبرالی غرب برای تغییر نظام باورهای زنان و دختران کشورمان و برداشتن تاج بندگی از سر زنان و دختران ایرانی هستیم. این در حالی است که حجاب در نگاه نخست واجبی شرعی و حکمی فقهی است. با وجود این طی سال‌های پس از انقلاب مواجهه دنیای غرب با این موضوع فقهی و شرعی به شدت سیاسی شده است؛ نکته‌ای که در دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب هم به آن اشاره داشتند و مسئله حجاب را علاوه بر موضوعی شرعی، امری سیاسی دانستند و تأکید کردند: «در مسئله پوشش، حجاب، محدوددیتی شرعی و قانونی است نه محدوددیتی دولتی و کشف حجاب نیز هم حرام شرعی است هم حرام سیاسی.»

طبق تأکیدات رهبر معظم انقلاب بسیاری از کسانی که کشف حجاب می‌کنند از پشت پرده تحریک به این کار، یعنی دستگاه‌های جاسوسی دشمن مطلع نیستند و اگر بدانند پشت کشف حجاب و مبارزه با حجاب چه کسانی و دستگاه‌هایی هستند، این کار را نمی‌کنند چون خیلی از آنها اهل دین و تضرع و ماه رمضان و دعا هستند.

حجاب نه فقط یک واجب شرعی و قانونی لازم‌الاجرا بلکه نمادی از جامعه اسلامی و دینی است. در نخستین نگاه و در بیرونی‌ترین لایه اجتماعی، زنان محجبه نمودی از حاکمیت اسلام در جامعه هستند و بر این اساس حجاب فراتر از مسائل شرعی و قانونی و به عنوان یک امر سیاسی تلقی می‌شود چراکه نشانه‌ای از جامعه اسلامی است. اینکه دشمنان اسلام و انقلاب، زنان ما و حجاب و پوشش آنها را به عنوان برونی‌ترین نماد اسلامیت نظام هدف قرار داده‌اند، یکی از مصادیقی است که بدحجابی را علاوه بر فعلی خلاف دستورات دینی و شرع مبین اسلام و علاوه بر حرامی شرعی به حرامی سیاسی تبدیل می‌کند چراکه زنان و دختران ما با بدحجابی و بی‌حجابی خود در عمل با این هدف دشمن همراهی و فشار را برای گام‌های بعدی آنان آماده می‌کنند.

اگر به اصول فقهی مراجعه کنیم، درمی‌یابیم حرام در اسلام، عملی است که انجام آن ممنوع و ترک آن از مردم خواسته شده است. شخص مکلف در صورت انجام فعل حرام، گناهکار محسوب می‌شود.

چرایی حکم حرمت بر اساس دیدگاه علمای شیعه در مورد تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، هر کار که انجامش مفاسد برای عموم افراد دارد و آن مفاسد به اندازه‌ای است که اجتناب از آن ناگزیر است، حکم آن کار حرمت است، حتی اگر انجام آن کار برای افراد خاصی داشته باشد. برخی بر این باورند که معیار حرام بودن مجرمات در اسلام فقط ضرر جسمی نیست بلکه بالاتر از ضرر جسمانی ضرر روحی است. به عنوان نمونه معیار حرمت در خوردنی‌های حرام مانند گوشت برخی حیوانات می‌تواند انتقال خواص معنوی آنها باشد که به خوردنده منتقل می‌شود.

با چنین دیدگاهی می‌توان به روشنی دریافت مسئله حجاب مسئله‌ای شخصی و خصوصی نیست بلکه ایجاد حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد دست‌وپنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد بر نمی‌آید و از طرف دیگر نقطه‌ضعف مرد را در همان نیازی یافته که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. در طبیعت، جنس تر گیرنده و دنبال‌کننده آفریده شده است.

وقتی که زن مقام و موقعیت خود را در برابر مرد یافت و نقطه‌ضعف مرد را در برابر خود دانست، همان‌طور که متوسل به زبور و خودآرایی و تجمل‌شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه باید آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد.

گسترده اجتماعی و حتی سیاسی دارد.

■ **امری فراتر از یک انتخاب فردی**

مسئله حجاب موضوعی شخصی و انتخابی فردی نیست و علاوه بر آنکه با انتخاب فرد در جامعه در ارتباط است، آثار و تبعات گسترده اجتماعی هم دارد. به این معنا که ما با نوع پوشش مان در سطح جامعه بخشی از شخصیت و نوع تفکر و جهان‌بینی خودمان را به نمایش می‌گذاریم. در کنار این مسئله نوع پوشش و رفتار اجتماعی زنان در جامعه می‌تواند در شکل‌گیری ذائقه اجتماعی و انتظار مردان از زنان اثرگذار باشد. حکم حرمت حجاب و تأکید به پوشانیدن جذابیت‌های زنان از افراد نامحرم، امری است که می‌تواند ضمن حفظ شخصیت زنان در جامعه، کنترل نگاه و رفتار



اینکه دشمنان اسلام و انقلاب، زنان ما و حجاب و پوشش آنها را به عنوان برونی‌ترین نماد اسلامیت نظام هدف قرار داده‌اند، یکی از مصادیقی است که بدحجابی را علاوه بر فعلی خلاف دستورات دینی و شرع مبین اسلام و علاوه بر حرامی شرعی به حرامی سیاسی تبدیل می‌کند چراکه زنان و دختران ما با بدحجابی و بی‌حجابی خود در عمل با این هدف دشمن همراهی و فضا را برای گام‌های بعدی آنان آماده می‌کنند.

به گونه‌ای است که به جنس مخالف گرایش دارند و رفتار زن در جامعه اگر مبتنی بر حجاب و صد البته حیا نباشد، خود را در معرض نگاه‌های هرزه بیمارلان قرار داده است و این مسئله علاوه بر به هم زدن تشخیص زن در جامعه می‌تواند امنیت و آرامش او را به هم بریزد، اما اینها بخشی از دلایلی است که بی‌حجابی را به حرامی شرعی تبدیل می‌کند، اما حکایت حرام سیاسی بودن بی‌حجابی موضوع گسترده‌ای است که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد.

■ **پیام پوشش ما برای دیگران**

نوع پوشش ما به خصوص پوشش زنان فراتر از یک لباس و بیانگر جهان‌بینی و طرز تفکر و تلقی افراد در جامعه است. در واقع نوع پوشش دارای پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. بر اساس نوع پوشش است که می‌توانیم در یک نگاه متوجه قومیت و ملیت افراد شویم و مسئله حجاب و پوشش سر علاوه بر تعلقات فرهنگی و اجتماعی بیانگر تعلقات سیاسی و دینی افراد هم است. با پیروزی انقلاب اسلامی رای بله مردم به جمهوری اسلامی ایران فقط در همه‌پرسی یا رفراندومی که بر گزار شد، نمود نیافت بلکه بخش مهمی از نمود این «بله» به نظام جمهوری اسلامی ایران با نوع پوشش بانوان در همان دوران اتفاق افتاد. درست در همان سال‌های آغازین انقلاب بود که بانوان ایرانی که اکثریت قریب به اتفاق آنها را بانوان محجبه و چادری تشکیل می‌دادند، موضوع حجاب را به عنوان نماد یک جامعه اسلامی مطالبه کردند و سر از آن حجاب در قامت یکی از قوانین جمهوری اسلامی ایران در آمد. در واقع از همان زمان حجاب علاوه بر نمادی از جهان‌بینی و نگاه ایدئولوژیک بود که یک نماد سیاسی تبدیل شد. بر همین اساس هم از همان روزهای نخست انقلاب حجاب به نمادی از حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شد و بدخواهان نظام مسئله حجاب زنان را هدف قرار دادند و به این منظور سال‌هاست بر نامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را در دستور کار دارند، بنابراین اگرچه طرفداران نظام جمهوری اسلامی ایران در جامعه به هم می‌ریزد. باب شدن انواع و اقسام عمل‌های زیبایی و ارائه استانداردهای سختگیرانه به عنوان معیاری برای زیبایی و مقبولیت زنان در جامعه امروزی و مقایسه‌ای که بین زنان با الگوهای زیبایی استانداردمساز شده و ارائه شده از نسوی بازیگران هالیوودی و مدل‌ها در دنیای غرب به سایر نقاط جهان هم تسری یافته است، یکی از پیامدهای نگاه ابزاری به زن و ارزش‌گذاری آنان بر مبنای ویژگی‌های ظاهری آنهاست که در واقع یکی از تبعات کنز گذاشتن عفاف و حجاب برای زنان در دنیای غرب و تنزل جایگاه زن به عنوان ابزاری برای التذاذ مردان است که این ابزار باید ویژگی‌های خاصی از قد، وزن، رنگ پوست و مو و ویژگی‌هایی اینچنینی را نداشته باشد. در حالی که اسلام با وجوب حجاب، ارزش زن را از معیارهای ظاهری به سمت تشخیص وی تغییر می‌دهد و جایگاه او را به عنوان یک انسان هم‌تراز با مردان می‌بیند نه ابزاری در خدمت لذت‌جویی آنها. در نگاه و جهان‌بینی غیرالهی و مکاتب مادی اما در لوی‌اشعارهای فمینیستی و محدود کردن آزادی زن به بی‌حجابی و ناداشتن پوشش مناسب، در عمل تشخیص زن را در حد ظواهر وی تنزل می‌دهد و در ورای برداشتن روسری از سر زنان در عمل آزادی و امنیت آنان را می‌گیرند آن هم با شعار آزادی!

درست است خانم‌های شل حجاب یا بی حجاب به دنبال جذب نگاه نامحرم نیستند اما ذات و خلقت مردان را هم در پی داشته باشد. به بیان دیگر وقتی زنان جذابیت‌های ظاهری خود را از مردان نمی‌پوشانند، می‌تواند موجب شود تا ذائقه مردان در جامعه تغییر کند و حتی گاهی اوقات ساختارهای خانوادگی در جامعه به هم می‌ریزد. باب شدن انواع و اقسام عمل‌های زیبایی و ارائه استانداردهای سختگیرانه به عنوان معیاری برای زیبایی و مقبولیت زنان در جامعه امروزی و مقایسه‌ای که بین زنان با الگوهای زیبایی استانداردمساز شده و ارائه شده از نسوی بازیگران هالیوودی و مدل‌ها در دنیای غرب به سایر نقاط جهان هم تسری یافته است، یکی از پیامدهای نگاه ابزاری به بی‌حجابی علاوه بر حرام شرعی بودن، حرامی سیاسی به شمار می‌رود چراکه نمادی از همراهی با دشمنان نظام به شمار می‌رود. وقتی جامعه ما با حضور زنان و دختران بدحجاب در بیرونی‌ترین پوسته آن، نماد اسلامیت خود را از دست بدهد، برای پذیرش سبک زندگی غیراسلامی و پذیرش سلطه بیگانگان آماده شده است. به بیان دیگر بی‌حجابی از جنبه اخلاقی و شرعی خارج شده و به مسئله‌ای به عنوان ابزار دشمن تبدیل شده است. وقتی رفتاری به ابزار دشمن تبدیل می‌شود، طبیعتاً انجام آن یک حرام سیاسی تلقی می‌شود. از سوی دیگر طی جریان‌های اخیر شاهد آن بودیم که یکی از راهبردهای براندازی نظام سیاسی اسلامی، استفاده از قدرت تحریک‌کنندگی، پوشش نامناسب و عریان‌گری است. پس با عنایت به آثار و تبعات گسترده‌ای که مسئله حجاب در حوزه‌های سیاسی به جای می‌گذارد، می‌توان دریافت چرا بدحجابی و بی‌حجابی حرامی سیاسی به شمار می‌رود.

مردان را هم در پی داشته باشد. به بیان دیگر وقتی زنان جذابیت‌های ظاهری خود را از مردان نمی‌پوشانند، می‌تواند موجب شود تا ذائقه مردان در جامعه تغییر کند و حتی گاهی اوقات ساختارهای خانوادگی در جامعه به هم می‌ریزد. باب شدن انواع و اقسام عمل‌های زیبایی و ارائه استانداردهای سختگیرانه به عنوان معیاری برای زیبایی و مقبولیت زنان در جامعه امروزی و مقایسه‌ای که بین زنان با الگوهای زیبایی استانداردمساز شده و ارائه شده از نسوی بازیگران هالیوودی و مدل‌ها در دنیای غرب به سایر نقاط جهان هم تسری یافته است، یکی از پیامدهای نگاه ابزاری به زن و ارزش‌گذاری آنان بر مبنای ویژگی‌های ظاهری آنهاست که در واقع یکی از تبعات کنز گذاشتن عفاف و حجاب برای زنان در دنیای غرب و تنزل جایگاه زن به عنوان ابزاری برای التذاذ مردان است که این ابزار باید ویژگی‌های خاصی از قد، وزن، رنگ پوست و مو و ویژگی‌هایی اینچنینی را نداشته باشد. در حالی که اسلام با وجوب حجاب، ارزش زن را از معیارهای ظاهری به سمت تشخیص وی تغییر می‌دهد و جایگاه او را به عنوان یک انسان هم‌تراز با مردان می‌بیند نه ابزاری در خدمت لذت‌جویی آنها. در نگاه و جهان‌بینی غیرالهی و مکاتب مادی اما در لوی‌اشعارهای فمینیستی و محدود کردن آزادی زن به بی‌حجابی و ناداشتن پوشش مناسب، در عمل تشخیص زن را در حد ظواهر وی تنزل می‌دهد و در ورای برداشتن روسری از سر زنان در عمل آزادی و امنیت آنان را می‌گیرند آن هم با شعار آزادی!

درست است خانم‌های شل حجاب یا بی حجاب به دنبال جذب نگاه نامحرم نیستند اما ذات و خلقت مرد

➤ **روی خط زنان**

**حضور بانوان در ورزشگاه‌ها**

**با حفظ کرامت آنها**

برگزاری رویدادهای فوتبال و حضور بانوان نام برد و افزود: مسئولان دست‌اندرکار باید همه تلاش خود را به کار ببندند تا ضمن انجام تمام امور عنوان شده، فضایی پر نشاط و فرهنگی را برای حضور بانوان و خانواده‌ها مهیا کنیم. سجادی با اشاره به برگزاری دو دیدار اخیر تیم ملی در ورزشگاه آزادی با حضور خانواده‌ها و بانوان ضمن قدردانی از مسئولان بر گزار کننده، تجربه به دست آمده را مهم دانست و گفت: در این دو رویداد حدود ۵۰ هزار و ۵۰۰ بانو حضور داشتند و طی گزارشی که مطالعه کردم، فضای خوبی را بانوان و خانواده‌ها تجربه کردند.

وزیر ورزش و جوانان در ادامه بهسازی ورزشگاه‌ها و اماکن ورزشی را مورد تأکید قرار داد و بیان کرد: این مسئله بسیار مهم است و باید با فرهنگ‌سازی علاوه بر بهسازی محیط برای تماشاگران، توجه به محیط پیرامونی تبیین شود.

**هشدار وزارت بهداشت**  
**به انجام سزارین در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۲**

اتفاق‌های عمل و اشغال غیر ضرور تخت‌های NICU و حتی تأمین و توزیع خون و فرآورده‌های خونی (با استناد به اعلام سازمان انتقال خون) فراهم کند، ضروری است از هم اکنون با توجه به دریافت شواهدی از تعیین نوبت توسط متخصصان زنان و زایمان در بیمارستان‌های خصوصی و عمومی غیردولتی برای تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۲ اقدامات پیشگیرانه لازم در راستای کنترل و نظارت بر افزایش نامتعارف سزارین‌های الکتیو غیر ضرور و فاقد اندیکاسیون از طریق ابلاغ این بخشنامه به پذیرد. با توجه به اینکه ادامه این موضوع می‌تواند در زمینه تأمین زایمان ایمن و حفظ سلامت مادر و نوزاد آسیب‌های جدی ایجاد کند و اختلال در گردش کار عادی بیمارستان‌ها

🔖 **وبتیرین**



**بانو**

**روایتی از زندگی یک زن خانه‌دار**

هر چقدر هم که درباره دنیای زنانه و دغدغه‌های آن صحبت شده باشد، این موضوع همچنان تازگی دارد و مسائل نهان و ناگفته بسیاری را برملا می‌کند. کتاب بانو، نوشته بهناز شاهنده، داستان‌نویس معاصر است. این کتاب با زندگی روزمره و وقایعی آغاز می‌شود که راوی قصه(مریم) تجربه می‌کند.

بهناز شاهنده، داستان‌نویس معاصر فارسی در کتاب بانو، داستان زندگی زنی متأهل را روایت می‌کند و تفکرات و صحبت‌های درونی او را به تصویر می‌کشد. این کتاب که از زبان راوی اول شخص روایت می‌شود، سعی دارد کلیشه‌های رایج فرهنگی درباره زنان خانه‌دار را به چالش بکشد و از طریق روایت رویدادهای زندگی شخصیت اصلی، فشارهایی را که این دسته از افراد متحمل می‌شوند بازگو کند.

پس از گذر از چند سطر ابتدایی، خواننده اطلاعات بیشتری درباره این شخصیت کسب می‌کند. او متأهل، خانه‌دار و دارای یک فرزند است. داستان از جایی شروع می‌شود که صبح شده و مریم با صدای زنگ ساعت بیدار می‌شود. در نگاه اول به نظر می‌رسد او در حال سستایش زیبایی‌های کوچک زندگی است؛ باز کردن دوباره پلک‌ها، کنار زدن پرده‌های اتاق، سرای آب‌روی پوست صورت و شمر دن تارهای سفید مو جلوی آینه، اما واقعیت این است که چنین مسائلی در نگاه او زیبایی تلقی نمی‌شوند. او از شرایطی که دارد ناراضی است و این امر در لحن کسل و بی‌حوصله او به وضوح آشکار است. او در حالی که شادی اعضای خانواده همسایه را از پشت پنجره به نظاره نشسته است، خود را بابت حواس‌پرتی‌ها، بی‌دقتی‌ها و اشتباهاتش سرزنش می‌کند و صدای ملالتگر مادرش را در سرش می‌شنود. او بلافاصله خود را از توجهی می‌کند که مادر نیت بدی نداشته و صرفاً برای خوشبختی و موفقیت خودم چنین حرف‌هایی زده است.

او همواره جایگاه والای مادر را ستایش می‌کند و در تلاش است وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد. سؤالی که نویسنده در جریان مان مطرح می‌کند این است که جایگاه مردها کجاست و چه وظایفی را بر عهده دارند؟ آیا فقط مردانند که کارهای مهمی بر عهده دارند؟ اگر نه، پس چرا هر روز با عجله میخانه می‌خورند و بدون هیچ‌گونه نگرانی بابت سایر اعضای خانواده راهی محل کار می‌شوند؟ گویی که هیچ کار و هیچ‌کسی به اندازه آنها اهمیت ندارد.

هدف نویسنده از نگارش مان بانو، پرداختن به جنبه‌های پنهان زندگی زنان است که از چشم سایرین پنهان مانده یا محال شدن حقوق و احساسات زنان، به همراه نادیده گرفته‌شدن و کم‌ارزش تلقی‌شدن آنها، شماری از مضامین اصلی این کتاب هستند. بهناز شاهنده، داستان را از نگاه زنی روایت می‌کند که قربانی این دسته از کلیشه‌های فرهنگی شده است. کتاب بانو، زمانی زنانه با درونمایه‌های اجتماعی است و توسط انتشارات آپریس به چاپ رسیده است.

در بخشی از کتاب بانو می‌خوانیم:

به علی گفتم که باید سسری به مدرسه تینا بزنم و طبق معمول که بی‌خیال به حرف‌هایم گوش می‌داد و جای را سر می‌کشید، اوهمی گفت و حوله نمناک را از روی پشتی صندلی برداشت و راهی اتاقش شد که آماده رفتن شود.

اصلاً نپرسید که چرا مرا خواسته‌اند مدرسه، گاهی به حال و احوالش، به طرز فکر و آرامشش، به تمرکز و دقتش غمطه می‌خورم. هر اندازه من عجول و کم‌طراقت و پر از ترس و استرس و نگرانی، علی آرام و خندان و بی‌خیال. به همین دلیل است که علی با تمام عیب و ایرادها و کمی‌ها و کاستی‌هایش همواره در زندگی بزرگ‌ترین تکیه‌گاه و باشکوه‌ترین و استوارترین کوه روزهای تلخ و شیرین و سیاه و سفید بوده، هنوز هم اولین کسی که بهانه‌هایم را، غرولندهایم را، اشک‌ها و ترس‌ها و نگرانی‌هایم را، با مصوری و دقت، با احترام و لیخند می‌شود و سعی در ناری دارد، علی است.

گاهی همه چیز را به شوخی بر گزار می‌کند، درست که تحملش برایم سخت می‌شود اما درست لحظه‌ای که باید باشد، لحظه‌ای که باید دقت کند، فکر کند، حواسش را جمع کند، اندیشه‌ها و عقل و دل و افکارش را به سمت موضوعی متمرکز کند، می‌شود بهترین یاری‌رسان و حلال مشکلات و راهگشا.

درست زمانی که می‌داند تاب مریم رو به اتمام است و الان نوبت که بخش زمین شود یا گریه سر دهد یا بغض کند و اشک و آب و ماتم سورانه، اطمینان می‌دهد که هست و حقیقتاً هم هست، هنوز هم روزهای سخت زندگی و عبور کردن از چاله‌های آن و در کنار علی در نظرم زنده است. زمانی که تینا تنها دو سال داشت و من مانده بودم و امتحانات ترم پایانی کارشناسی ارشد بالا بماند که درگیر کارهای دانشگاهی و بی‌حد و حصر پایان‌نامه هم بودم و از کم‌تلاشی‌تم در همان زمان خاله علی که در شیراز ساکن بود، از دنیا رفته بود.